

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از عشق‌ری
فرستنده : محمود شاداب
۲۲ اپریل ۲۰۱۸

[می خورد بسیار چرخ]

در میان سینه ام دل می خورد بسیار چرخ
گشته ام از بسکه سرگردان دور دامنی
اینقدر از حال زار من چرائی بی خبر
چون نیستان عاقبت در آتش خود سوختم
گر ز نام و ننگ خود نگذشته ام در عشق تو
جان من آخر بر آمد در دیار بی کسی
از سفر آن نورسم باید که تا فردا رسد
بی نیاز از نعمت خوان شهان گردیده ام
بسکه امشب گشته بودم مست ساز لوگری
در هوای صید این آهو نگاهان عشق‌ری

می زند یارم مگر در خانه اغیار چرخ
می زند یارم مگر در خانه اغیار چرخ
بر سر کوی تو هر شب می زخم صدم چرخ
بسکه زد مرغ دلم با ناله های زار چرخ
می زخم آخر چرا با جامه و دستار چرخ
دور بالینم نژد ، یک مشفق و غمخوار چرخ
در نگاهم می خورد نخل قدش بسیار چرخ
خورده ام تا دور دیگ حیدر گزار چرخ
از پلچرخ زدم تا کوتل پیوار چرخ
همچو شاهین می زخم در کوچه و بازار چرخ